

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)

سال بیست و یکم، دوره جدید، شماره ۱۱، پیاپی ۹۵، پاییز ۱۳۹۰

نقش و عملکرد قهوه‌خانه‌های تهران در دوره قاجار

احمد کامرانی فر^۱

نرجس معمار^۲

تاریخ دریافت: ۹۰/۴/۱

تاریخ تصویب: ۹۰/۹/۲۶

چکیده

تاریخ قهوه‌خانه در تهران از زمان روی کار آمدن حکومت قاجار در ایران آغاز شد و در زمان سلطنت ناصرالدین شاه قاجار به اوج شکوه و اعتبار رسید. قهوه‌خانه‌های این دوره با کمی تغییر ادامه‌دهنده فعالیت‌های قهوه‌خانه‌های دوره‌های پیشین بودند؛ اگرچه برخی از فعالیت‌های قبلی آن‌ها از بین رفت و برخی از فعالیت‌ها اضافه گشت. این مقاله سعی دارد تا به تاریخچه مصرف چای در ایران، بررسی قهوه‌خانه‌های تهران و محل قرارگیری آن‌ها، معماری قهوه‌خانه‌ها، اسباب و وسایل پذیرایی و تزئینی در آن‌ها، برخی سرگرمی‌های قهوه‌خانه‌ای، تجمع اصناف و گروه‌های مختلف در قهوه‌خانه‌های تهران و واکنش حکومت به مسائل قهوه‌خانه‌ها بپردازد.

واژه‌های کلیدی: قهوه‌خانه، تهران، قاجار.

۱. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد kamranifar43@yahoo.com

۲. دانشجوی کارشناس ارشد گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد memar_n@yahoo.com

مقدمه

با روی کار آمدن حکومت صفویه در ایران و رویارویی این دولت با حکومت سنی مذهب عثمانی، نهاد اجتماعی قهوه‌خانه از کشور عثمانی به ایران انتقال یافت و به احتمال زیاد کار خود را از زمان حکومت شاه طهماسب اول صفوی آغاز نمود. نهاد قهوه‌خانه به دلیل اجتماعی بودن طرفداران زیادی از عام و خاص پیدا کرد؛ به گونه‌ای که در سراسر کشور فعالیت داشت. در ابتدای کار-دوره صفویه- در شهرهای بزرگی همچون اصفهان، تبریز و قزوین دایر بود و در شهر اصفهان به دلیل پایتخت بودن دارای شکوه بیشتری گردید، اما در دوره قاجار با انتخاب تهران به پایتختی، این شهر مورد توجه قرار گرفت و نهاد قهوه‌خانه در این شهر پس از دوران فترت- دوره‌های افشار و زندیه- دوباره کار خود را آغاز نمود و در زمان سلطنت ناصرالدین شاه قاجار به اوج شکوه خود رسید.

سؤال اصلی در این مقاله این است که قهوه‌خانه‌های تهران از چه زمانی فعالیت خود را آغاز نمودند و چه عملکردهایی داشتند؟ قهوه‌خانه‌های تهران فعالیت خود را به صورت گسترده و با عملکردهای متنوع از زمان روی کار آمدن قاجارها در ایران آغاز نمودند. اگرچه برخی از منابع مربوط به تاریخ تهران از فعالیت قهوه‌خانه‌ای در تهران دوره صفویه - قهوه‌خانه قنبر- یاد می‌کنند، باید گفت، بیشتر اطلاعات ما درباره قهوه‌خانه‌های تهران دوره قاجار است که هم‌زمان با پایتخت شدن تهران در دوره قاجار فعالیت خود را آغاز نمودند و در دوره ناصرالدین شاه به اوج و شکوه خود رسیدند. قهوه‌خانه‌های این دوره فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی، هنری، سیاسی، کاربردی و... داشتند.

از فعالیت‌های سیاسی قهوه‌خانه‌ها می‌توان به اجتماع مردم از هر گروه و صنفی در قهوه‌خانه‌ها برای شنیدن اخبار روز و مقابله حکومت با این گونه فعالیت آن‌ها اشاره کرد. درباره فعالیت‌های فرهنگی- اجتماعی در این مکان می‌توان به سبک معماری قهوه‌خانه‌های دوره قاجار- که متناسب با فرهنگ و اجتماع مردم ساخته و تزئین می‌شدند- و فعالیت‌های کاربردی مانند پذیرایی از مشتریان با چای و قلیان و انواع غذاها اشاره نمود.

روش گردآوری اطلاعات درباره قهوه‌خانه‌های تهران کتابخانه‌ای است. بهترین منابع برای مطالعه قهوه‌خانه‌های تهران دوره قاجار سفرنامه‌ها هستند، که البته می‌توان در این زمینه از کتاب‌هایی که در زمینه تاریخ تهران نوشته شده است نیز کمک گرفت. یکی از منابعی که در این زمینه مطالب فراوان و جالبی دارد، کتاب *تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم* نوشته جعفر شهری است که در شش جلد نوشته شده و در این کتاب کاملاً به مسائل اجتماعی تهران قدیم پرداخته است. در این کتاب علاوه بر شرح قهوه‌خانه‌های تهران و معماری آنها، به جایگاه اصناف و گروه‌ها در قهوه‌خانه‌ها و چگونگی ارتباط قهوه‌چی با مشتریان و پذیرایی از آنها می‌پردازد که در هیچ یک از سفرنامه‌های این دوره یافت نمی‌شود. کتاب‌هایی نیز که درباره تاریخ تهران نگاشته شده‌اند از این منبع برای پرداختن به موضوع قهوه‌خانه استفاده نموده‌اند. در دوره قاجار با وجود تعداد زیاد منابع همچنان بیشتر آنها شامل تاریخ سیاسی می‌باشد. با این حال، تعدادی از کتاب‌های این دوره به گوشه‌هایی از تاریخ اجتماعی ایران توجه کرده‌اند. اما همان‌طور که گفته شد، بهترین منابع سفرنامه‌ها هستند که تعدادی از آنها به فارسی ترجمه شده‌اند و بسیاری از آنها هنوز به زبان اصلی هستند. آن تعداد از سفرنامه‌هایی هم که به فارسی ترجمه شده‌اند متأسفانه در همه کتابخانه‌ها موجود نیست و این امر دسترسی به آنها را با مشکل مواجه کرده است. در مورد قهوه‌خانه‌های تهران از مآخذی که می‌توان به آنها اشاره کرد: *تهران به روایت تاریخ* نوشته مسعود نوربخش، *دارالخلافت تهران* اثر ناصرنجمی، *تهران در آئینه زمان* از مرتضی سیفی فمی تفرشی و همچنین *قهوه‌خانه‌های ایران* نوشته علی بلوکباشی. مقالات و پایان‌نامه‌هایی نیز که در این باره نوشته شده‌اند هر کدام قسمتی از عملکردهای قهوه‌خانه‌ها را نشان می‌دهند؛ یا از دیدی غیرتاریخی به نهاد قهوه‌خانه نگاه می‌کنند؛ مثل پایان‌نامه تحلیل مردم‌شناختی ابزارها و شیوه‌های پذیرایی در قهوه‌خانه آذری نوشته گلرخ صدرزاده.

قهوه‌خانه‌های تهران در دوره قاجار

به موازات رواج نوشیدن قهوه در ایران دوره صفویه، قهوه‌خانه‌هایی نیز در شهرهای بزرگی همچون اصفهان، تبریز و قزوین شروع به کار کردند. زمان شروع به کار قهوه‌خانه در ایران به

احتمال زیاد به سلطنت شاه طهماسب اول صفوی برمی‌گردد که از کشور عثمانی به ایران انتقال یافته بود. در زمان سلطنت شاه عباس اول قهوه‌خانه‌ها به نقطه اوج و شکوه خود رسیدند که بیشتر در شهر اصفهان که به پایتختی دولت صفویه انتخاب شده بود وجود داشتند (فلسفی، ۱۳۸۱: ۲۴۹-۲۵۹؛ طاهری، ۱۳۸۳: ۳۹۳-۳۹۴) و در دوره قاجار با انتخاب تهران به پایتختی، قهوه‌خانه‌های این شهر اهمیت یافتند.

از آنجا که می‌دانیم، قهوه‌خانه نام خود را از نوشیدن قهوه در ایران به‌دست آورد، اما رواج نوشیدن قهوه به صورت گسترده چند صباحی دیر نپایید و با آغاز حکومت قاجارها بر ایران جای خود را به نوشیدن مایع فرحبخش دیگری به نام چای داد. قهوه در این زمان از میان عامه مردم به میان رجال و دولتمردان حکومت قاجار رفت و به سبب سوء استفاده‌هایی که از آن برای حذف آرام رجال و امراء دولت قاجار می‌کردند شهرتی کسب نمود و با نام قهوه قجری همچنان به حیات خود ادامه داد. قهوه قجری نوعی وسیله کشتن بی‌سر و صدای دشمنان رجال و درباریان بود که با ریختن سم در قهوه فرد مورد نظر وی را از صحنه روزگار حذف می‌نمودند (اورسل، ۱۳۵۳: ۲۵۸-۲۵۹؛ نجمی، ۱۳۶۴: ۳۵۵). با وجود رواج نوشیدن چای در سطح وسیع در ایران دوره قاجار همچنان قهوه نیز در بین مردم مصرف داشت. در این دوره قهوه را همراه تفاله‌اش به صورت غلیظ و بدون شکر در داخل فنجان‌های کوچک چینی مصرف می‌کردند. هنگام سفر نیز به دلیل مشکل و غیرممکن بودن تهیه قهوه مقداری از آن را به صورت کوبیده به همراه عسل رقیق در نوعی انفیبه دان به همراه خود می‌بردند. این مخلوط همچون مربا بود که با قاشق‌های کوچک خورده می‌شد. عده‌ای نیز کمی تریاک به آن اضافه می‌کردند که در این صورت مقدار کمتری از آن را استفاده می‌نمودند (دروویل، ۱۳۶۷: ۹۳-۹۴).

سابقه مصرف چای در ایران به عنوان یک نوشیدنی - که از زمان قاجارها در ایران به طور وسیع آغاز شده بود- به قرن هفدهم میلادی (یازدهم هجری) می‌رسد که جهانگردانی از وجود چایخانه در ایران گزارش داده‌اند. از جمله این جهانگردان، آدام اولناریوس است که از وجود مکان‌هایی با نام «چای‌خانه» یا «چای‌ختائی خانه» در میدان بزرگ اصفهان یاد می‌کند. این گیاه اصل بوت‌اش از چین بود که توسط ازبک‌های تاتار از سرزمین ختا به ایران آورده می‌شد و به همین دلیل نیز به آن

چای ختائی می گفتند. در دوره صفویه افرادی با جایگاه اجتماعی بالا به این مکان‌ها می رفتند. شاه عباس نیز پاره‌ای از شب‌ها به این مکان می رفت و نوجوانان و کودکان نزد او به رقص و پایکوبی می ایستادند (میرشکرانی، ۱۳۷۸: ۱۵-۳۰؛ کاظمی، ۱۳۷۶: ۲۱؛ اولناریوس، ۱۳۶۹/۲: ۶۵۷؛ کاتف، ۲۵۳۶ شاهنشاهی: ۶۸).

عادت به نوشیدن چای یکی از عادات و رسوم جدیدی بود که در دوره ناصرالدین شاه قاجار در اثر ارتباط با غرب در میان طبقات ایران رواج یافت. اگرچه پیش از این چای وارد ایران شده بود، اما اختصاص به خاندان سلطنت و تعدادی از بزرگان داشت؛ هرچند در دوره قاجار چای مصرف عام پیدا کرد و در تمام خانه‌ها از شهری تا روستایی و از صبح تا شام مصرفش عادت گردید (نوریخس، ۱۳۸۱/۲: ۱۰۷۷-۱۰۷۸). همان گونه که گفته شد، چای از واردات ایران بود و در ایران کشت نمی شد. در سال ۱۳۰۲ ه. ق نخستین تلاش برای کشت چای در ایران به همت حاج محمد حسین اصفهانی در شهر اصفهان انجام پذیرفت، اما توفیقی به دست نیامد. پانزده سال بعد آقا محمدخان قاجار قوانلو در سال ۱۳۱۷ ه. ق موفق به انجام کشت چای در ایران شد. وی که در سال ۱۳۱۴ ه. ق به سمت ژنرال کنسولی ایران در هند مأمور شده بود از سوی مظفرالدین شاه به فراگرفتن پرورش تخم چای و آوردن آن به ایران تشویق شد. آقا محمدخان قاجار قوانلو در بازگشت به ایران با خود چهار هزار نهال آورد و موفق به کشت چای در ایران شد و از طرف مظفرالدین شاه به کاشف السلطنه ملقب گشت (کاظمی، ۱۳۷۶: ۵۴-۳۱).

قوطلی‌های چای دوره قاجار بسیار زیبا و بیشتر از چوب بودند که جنس چینی آن، لاک چینی و نقاشی و جنس هندی آن مثبت کاری رنگین داشت. وزن قوطلی‌ها نیز به اصطلاح زبان روسی گیروانکه می گفتند که معادل ۴۰۹/۵ گرم بود و کوچک‌ترین قوطلی چای یک گیروانکه بود. متن زیر شعری است که در زمان کاشف السلطنه سروده شده و روی قوطلی‌های چای بهاره چاپ می شد:

غرس این چای که با سعی و عمل تعیین است	کاشف السلطنه اش در خور هر تحسین است
لاهیجان روضه رضوان شده زین طرفه گیاه	خاصه اکنون که بهار آمد و فروردین است

(همان، ۲۳).

اگرچه قهوه‌خانه‌های تهران کار خود را به صورت رسمی و گسترده از دوره قاجار شروع نمودند، در دوره صفویه نیز در تهران قهوه‌خانه‌ای به نام قهوه‌خانه قنبر وجود داشت. در این دوره با وجود آنکه تهران در مقایسه با دوره قاجار وسعت زیادی داشت، در عین حال اهمیت زیادی برای شاهان صفویه داشت. علاوه بر آن محیط قهوه‌خانه بسته به بزرگی و کوچکی شهرها ساخته نمی‌شدند، بلکه بسته به نیاز مردم در هر شهر و روستایی برپا می‌گردیدند؛ بدین ترتیب در زمان سلطنت شاه عباس اول صفوی مقابل بازار بزرگ، پاتوق سیاه‌های مقیم تهران، قهوه‌خانه قنبر ساخته شد. انتخاب نام قهوه‌خانه بدان سبب بود که صاحب قهوه‌خانه یک سیاه حبشی به نام بود و در آن زمان در تهران جمعیت زیادی از سیاهان به عنوان خدمتکار در خانه هر بزرگ و صاحب مقامی کار می‌کردند. قنبر پس از مدتی قهوه‌خانه را در اختیار یکی از کارگزارانش به نام اسماعیل که یک ایرانی بود قرار داد تا شاید او بتواند مشتریان سفید پوست قهوه‌خانه را از مسخره کردن سیاهان باز دارد، اما اسماعیل نیز موفق نشد. اسماعیل از یک نکال کمک خواست و نکال با گفتن داستان قنبر -غلام با وفای حضرت علی (ع)- و موقعیت او نزد امام و سپس بیان حال بلال حبشی توانست دیدگاه مردم را نسبت به سیاهان تغییر دهد (حسن بیگی، ۱۳۶۶: ۲۹۷-۲۹۹).

با سقوط سلسله صفویه و روی کار آمدن حکومت‌های افشار و زندیه، اثر و اطلاعی از نهاد قهوه‌خانه در ایران در دست نیست. اما با روی کار آمدن حکومت قاجارها در ایران و برگزیدن تهران به پایتختی فصل جدیدی از فعالیت قهوه‌خانه در ایران و به خصوص تهران آغاز شد که در زمان سلطنت ناصرالدین‌شاه قاجار به نقطه اوج و شکوه خود رسید. در دوره قاجار قهوه‌خانه‌ها همچون باشگاه و مرکز اجتماع مردم و کانون فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی بود که به صورت آرام و بدون هیچ تشریفات اداری می‌شدند. مردم از هر گروه و صنفی ساعتی از اوقات بیکاری خود را در این محل می‌گذراندند. از آنجا که نهاد قهوه‌خانه را می‌شد در هر شهر و روستا، در مسیر جاده، کاروان قافله‌ها یافت؛ بنابراین محلی مناسب برای استراحت و نوشیدن چای و کشیدن قلیان و از همه مهم‌تر شنیدن و ردوبدل کردن اخبار شهر و روستا و وضعیت راه‌ها و قافله‌های بین راه بودند (برد و وستون، ۱۳۷۶: ۹۳). قهوه‌خانه محل گردآمدن مردان بود و هرگز زنی در حال نوشیدن

چای در قهوه‌خانه‌ای دیده نمی‌شد، مگر در قهوه‌خانه‌های بین راه که برای آوردن تخم مرغ، نان یا دوغ برای فروش به قهوه‌چی آمده بود (رایس، ۱۳۶۶: ۱۷۱ و ۳۳).

در دوره ناصرالدین‌شاه قاجار جنبه‌هایی از تمدن جدید وارد ایران شد که بیشتر در شهر تهران به فعالیت پرداختند. یکی از این شاخصه‌های تمدن، نهاد نوین‌پدای به نام کافه بود که در عهد ناصری حدود ۳۵ باب از آن در تهران وجود داشت و بیشتر به جامعه روشنفکران تعلق داشت. اما هم‌زمان ۵۱۴ باب نیز قهوه‌خانه سنتی در تهران وجود داشت (تکمیل همایون، ۱۳۷۸: ۲/۲۱۰). از قهوه‌خانه‌های معتبر و معروف شهر تهران می‌توان به قهوه‌خانه یوزباشی که در پشت شمس‌العماره قرار گرفته بود اشاره کرد که محل تجمع شاهزادگان، اعیان، افسران، سرداران قشون و... بود. هرگاه شاعری شعری نغز می‌سرود در این قهوه‌خانه برای نزدیکان شاه می‌خواند و در صورت مناسب بودن وی را به شاه معرفی می‌کردند تا صله‌ای دریافت کند. قهوه‌خانه معروف دیگر قنبر بود که در خیابان ناصریه قرار داشت و به دلیل سابقه ذهنی مردم از قهوه‌خانه قنبر در دوره صفویه ایجاد شده بود. در این قهوه‌خانه بحث پیرامون مسایل مملکتی و روزنامه‌خوانی ممنوع بود و در عوض، درویش مرحب نامی در آنجا نقالی می‌کرد. قهوه‌خانه‌های تنبل در چهارراه سوسکی، اناری و سرگذر از دیگر قهوه‌خانه‌های این دوره بودند. قهوه‌خانه عرش نیز یکی دیگر از قهوه‌خانه‌های معروف تهران بود که در خیابان چراغ برق قرار گرفته بود. این قهوه‌خانه به دلیل قرار گرفتن در بالاخانه ساختمانی در نزدیکی پامنار و همچنین تجمع شیرهای‌ها و تریاک‌ها به قهوه‌خانه عرش مشهور شده بود (حسن بیگی، ۱۳۶۶: ۳۰۱-۳۰۲).

غیر از قهوه‌خانه‌های یاد شده، قهوه‌خانه‌های دیگری نیز در تهران قرار داشتند که از جمله آن‌ها می‌توان به قهوه‌خانه آینه، سنگ‌تراش‌ها در بازار مسجد جامع، سرچشمه در سرچشمه، تلمبه در کوچه مروی، آسیدعلی در خیابان سعدی شمالی و قهوه‌خانه‌هایی در خیابان نقارخانه و بازار دروازه نزدیک چهارراه سیروس اشاره نمود. در تمام این قهوه‌خانه‌ها قیمت یک جفت چای تازه دم سه شاهی، سه مثقال تریاک و یک قلیان هفت شاهی بود (اورسل، ۱۳۵۳: ۱۴۰؛ سیفی فمی تفرشی، ۱۳۶۹: ۴۸-۴۹؛ بلوکباشی، ۱۳۷۵: ۳۰).

یکی از جنبه‌های جالب توجه قهوه‌خانه‌های تهران معماری آن‌ها بود. با آنکه معماری قهوه‌خانه‌ها در ایران سبک و سیاق خاصی نداشت، اما بسته به موقعیت جغرافیایی، فرهنگی و اجتماعی شهر یا روستای محل قرارگیری تغییراتی در وضعیت بنای آن‌ها وجود داشت. قهوه‌خانه‌های تهران دوره قاجار به دلیل قراردادن در پایتخت نسبت به سایر قهوه‌خانه‌ها از جلال و شکوه بیشتری برخوردار بودند و در ساخت آن‌ها از ظرافت و تزئین بیشتری استفاده می‌شد. قهوه‌خانه‌های تهران در این دوره از دو قسمت اصلی تشکیل شده بود: یک قسمت سرپوشیده برای فصل زمستان و سرما و یک محوطه روباز که از باغچه‌ای وسیع و پر از گل و درخت بود و برای فصل‌های خنک همچون بهار و تابستان مورد استفاده قرار می‌گرفت (شهری، ۱۳۶۷: ۱۳۹۸/۱). سالن سرپوشیده این قهوه‌خانه‌ها بسیار بزرگ بود؛ چرا که می‌بایستی با وسایل تزئینی همچون تابلو، شمایل، عکس پهلوانان، قالیچه، طاقشال‌ها، چراغ‌های تزئینی و... آراسته می‌شدند. دورتادور این سالن از سکوهایی از جنس سنگ و آجر ساخته شده بود که محل نشستن مشتریان بود و با قالیچه‌های پرنقش و نگاری فرش می‌شدند. علت ساختن سکوها در دورتادور سالن آن بود که مشتریان روی سکوها نشسته و در محل تردد قهوه‌چی نباشند؛ یا اینکه محل نشستن مشتری از قهوه‌چی جدا باشد و فضای میانی علاوه بر قهوه‌چی برای نقال، مداح و روضه‌خوان و امثال آن آزاد باشد. در باغچه تابستانی هم نیمکت‌هایی برای نشستن قرار می‌دادند و آن‌ها را با قالیچه‌هایی فرش می‌کردند. قسمتی از این باغچه نیز به صورت خاکی و بدون نیمکت بود که هر صبح و عصر جارو و آبپاشی می‌کردند. در حاشیه نیمکت‌های فرش شده نیز گلیم و قالیچه‌هایی روی زمین برای مشتریان مخصوص پهن می‌کردند. آن‌ها که روی قالیچه‌های روی زمین می‌نشستند، به تریاک و حشیش معتاد بودند که دور منقل جمع می‌شدند، اما مشتریان چپوق و قلیانی غیرمعتاد که در اقلیت قرار داشتند، روی نیمکت می‌نشستند (شهری، ۱۳۶۷: ۴۰۰/۱ و ۴۹۳/۴-۴۹۲؛ نجمی، ۱۳۶۴: ۴۷۶-۴۷۷).

قهوه‌خانه‌های تهران عهد قاجار در خیابان‌ها، بازارها، بازارچه‌ها، سراها، بین راه امامزاده‌ها و در خود امامزاده‌ها پراکنده بودند. خیابان الماسیه یکی از خیابان‌های تهران بود که با قرار دادن نیمکت‌هایی در اطراف آن از مشتریان قهوه‌خانه پذیرایی می‌کردند. در دو طرف این خیابان درختان چنار بسیار بلند و درختان گل سرخ، زردآلو، هلو و... وجود داشت و حوض‌هایی که در

فواصل معین قرار گرفته بودند و نیمکت‌هایی در کنار این خیابان تا مشتریان با استفاده از این امکانات چایی بنوشند و قلیانی بکشند. در بیرون از دروازه شهر یا ارگ مغازه‌هایی به سبک اروپایی ساخته بودند که یکی از آن‌ها قهوه‌خانه‌ای بود که طرح اروپایی داشت؛ ناصرالدین شاه قاجار پس از سفری به فرنگ یک بازرگان ثروتمند را واداشته بود تا قهوه‌خانه‌ای به سبک اروپایی بسازد (دالمانی، ۱۳۳۵: ۷۶۵؛ ماسهارو، ۱۳۷۳: ۱۷۵).

قهوه‌خانه‌های موجود در بازارچه‌ها از ضروریات این مکان بودند که به نام بازارچه محل نام می‌گرفتند. در سراها نیز قهوه‌خانه‌ها همچون آبدارخانه‌سرا به حساب می‌آمدند که دو تا سه قهوه‌چی آن را اداره می‌کردند (شهری، ۱۳۶۷: ۱/۳۳۷ و ۳۲۷؛ ماموتوف، ۱۳۶۳: ۲۹۵). در صحن خود امامزاده‌ها همچون امامزاده صالح و امامزاده زید یا در مسیر آن‌ها مثل مسیر رفت آستانه شاه عبدالعظیم قهوه‌خانه‌هایی قرار داشتند که مسافران می‌توانستند در این قهوه‌خانه‌ها کمی استراحت کنند و یک استکان چای بنوشند (شهری، ۱۳۶۷: ۱/۴۳۱؛ ویشارد، ۱۳۶۳: ۱۱۴؛ دیولافوآ، ۱۳۶۱: ۱۶۰).

در قهوه‌خانه‌های تهران همچون قهوه‌خانه‌های دیگر شهرهای ایران، قلیان از وسایل پذیرایی اصلی و مهم بود که بعد از صرف چای برای مشتریان آورده می‌شد. از آنجا که در بیشتر شهرهای ایران تنباکو به دست می‌آمد و کشتی آسان داشت، بنابراین قلیان به فور یافت می‌شد و طرفداران زیادی از ایرانی و غیر ایرانی پیدا کرده بود. قلیان در سفر و حضر همراه ایرانیان بود و داشتن آن مایه افتخاری برای هر خانواده ایرانی بود. در دوره قاجار در شهر تهران بازار توتون‌فروشان در نزدیکی بازار بزازان قرار داشت که در مغازه‌های آن انواع توتون و تنباکو فروخته می‌شد. بهترین نوع تنباکو، تنباکوی شیراز بود که در بازار تهران در داخل کیسه‌هایی از پوست بُز نگه‌داری می‌شد و بوی بسیار تندی داشت.

نوع دیگر، توتون اصفهان بود که در داخل کلاف ابریشم نرم و لطیف به صورت دست‌دسته آویزان می‌شدند. توتون رشت را نیز در بسته‌هایی در کنار عنبردان برای درست کردن سیگار روی قفسه‌ها قرار می‌دادند. اما نوعی دیگر از توتون وجود داشت که آن را رواندوز می‌نامیدند. این توتون به صورت گردآلود و زردرنگ و پُر از تریاک بود. این نوع توتون را داخل ظروف مسی قرار می‌دادند. در حاشیه بازار توتون‌فروشان تعدادی زن و دختر به دوختن کیسه توتون یا سرچپق،

سرقلیان، چوب سیگار و... اشتغال داشتند (شهری، ۱۳۶۷: ۱/۳۴۱؛ حسن بیگی، ۱۳۶۶: ۱۲۵). قلیان از قطعات مختلفی همچون؛ سرقلیان، میانه، کوزه و نی تشکیل شده بود. هر یک از این قطعات از جنس‌های به‌خصوصی ساخته می‌شدند. بهترین نوع قلیان آن بود که میانه‌اش از چوب، کوزه‌اش از بلور، سره‌اش از سفال نیمه‌پز یا چوب باشد و آب از آن در حال چکیدن باشد. برای این کار در هر قهوه‌خانه‌ای محل مخصوصی برای تهیه قلیان بود که میانه قلیان را در تغار بزرگی از آب می‌خواباندند تا موقع بردن پیش مشتری آب از آن در حال چکیدن باشد؛ چرا که خشک بودن قلیان بی‌احترامی به مشتری بود (شهری، ۱۳۶۷: ۳/۵۸۴ و ۶/۴۳۸-۴۳۹).

در تهران برای حمل توتون و تنباکو کیسه‌هایی از جنس مخمل زری‌دوزی شده می‌دوختند که آن را لوله می‌کردند و بندش را به دورش می‌بستند و داخل جیب قرار می‌دادند. نوعی دیگر از کیسه توتون هم وجود داشت که از چرم لطیف یا میشن و تیماج بود و در انواع مختلف از گل میخ‌کوبی طلا و نقره یا خامه‌دوزی و مليله‌دوزی شده درست می‌شد (همان، ۱۸۳۲). در بازار سراجان تهران نیز جعبه‌هایی برای جادادن چای درست می‌کردند که به آن هزارپیشه می‌گفتند و همچنین کیسه‌ای از جنس چرم به صورت استوانه‌ای برای جای دادن قلیان که معمولاً آن را چنته قلیان می‌نامیدند (دالمانی، ۱۳۳۵: ۸۱۶).

تریاک یکی دیگر از وسایل پذیرایی در قهوه‌خانه‌های تهران این دوره بود. در این زمان، مصرف تریاک در قهوه‌خانه‌ها منعی نداشت و حتی به قهوه‌خانه‌ها دستور داده شده بود که به مشتریان تریاک بدهند و در اواخر هم برای تشویق، تریاک رایگان می‌دادند و برای آنکه موجب شک نشود، سوخته آن را می‌خریدند؛ بدین صورت که مأموران انحصار تریاک حقه و افور را باز می‌کردند و با قاشک سوخته تریاک را می‌تراشیدند و پس از وزن کردن صورت جلسه کرده و پول می‌دادند. جعفر شهری، نویسنده کتاب *تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم* علت این کار را معتاد کردن مردم برای باز داشتن آن‌ها از پرداختن به امور سیاسی می‌داند (شهری، ۱۳۶۷: ۶/۳۹۲).

غیر از اسباب پذیرایی دخانی در قهوه‌خانه‌ها انواع غذا نیز یافت می‌شد. معروف‌ترین غذای قهوه‌خانه‌های تهران دیزی بود که غذایی حاوی گوشت، نخود و لوبیا و سبزی بود که با ریختن همه این مواد داخل یک کوزه گلی پر از آب و با قرار دادن ظرف بر روی آتش پخته می‌شد.

دیزی قهوه‌خانه‌ها به تعداد معین و در ظرفیت‌های چهارنفره آماده می‌شدند (همان، ۵۸۶/۴ و ۵۹۱ - ۵۹۴؛ گروته، ۱۳۶۹: ۹۴-۹۵).

گرامافون از وسایل تزئینی موجود در قهوه‌خانه‌ها بود که از زمان مظفرالدین شاه وارد ایران شده بود. اولین دستگاه آن جلوی قهوه‌خانه‌ای در شرق میدان شمس‌العماره گذاشته شده بود. در ابتدا مهندسی از کمپانی مأمور بود تا صفحه‌های موسیقی را روی دستگاه قرار دهد و سوزن گرامافون را عوض کند، اما پس از مدتی کمپانی دستگاه را به قهوه‌چی هدیه داد و به مهندس نیز دستور داد تا طرز کار با دستگاه را به قهوه‌چی بیاموزد (شهری، ۱۳۶۷: ۳۷۲/۳). از دیگر تزئینات قهوه‌خانه‌های تهران استفاده از آئینه و آئینه‌کاری بر سردر قهوه‌خانه‌ها بود. آخرین آئینه‌کاری اماکن عمومی در دوره قاجار سردر قهوه‌خانه‌ای در خیابان ناصرخسرو بود که پس از آئینه‌کاری قهوه‌خانه آئینه نام گرفت (همان، ۴۳۵/۲). علاوه بر این‌ها، قهوه‌چیان از تابلوهای نقاشی و شمایل پهلوانان، قفسه‌های پرندگان خوش صدا و... نیز برای تزئین استفاده می‌نمودند.

شیوه و سبک نقاشی بیشتر تابلوها و پرده‌هایی که بر دیوار قهوه‌خانه‌ها نصب می‌شد مخصوص بود که به نقاشی قهوه‌خانه‌ای معروف گشته است. علت این نام‌گذاری بدین دلیل بود که سفارش‌دهندگان این نوع سبک نقاشی، قهوه‌چی‌ها بودند و بیشترین کاربرد این نوع نقاشی در قهوه‌خانه‌ها بود تا نقالان از روی این تابلوها به نقل حکایات بپردازند. نقاشی قهوه‌خانه‌ای که با نام‌های دیگری چون نقاشی خیالی، نقاشی عامیانه و نقاشی غلط‌سازی نیز شناخته می‌شود، نوعی نقاشی روایی با تکنیک رنگ و روغن است که مضمون‌های رزمی، مذهبی و بزمی دارد (پاکباز، ۱۳۷۹: ۵۸۶-۵۸۷). ریشه این سبک نقاشی اگرچه به دوره صفویه باز می‌گردد و عامل رواج آن را گسترش تشیع، رونق کار نقالان و تولد پرده‌های تعزیه می‌دانند، استفاده از این نوع نقاشی به دوره قاجاریه به ویژه دوران مشروطه‌خواهی می‌رسد (افشارمهاجر، ۱۳۸۴: ۱۶۳). نقاشی‌های قهوه‌خانه‌ای ویژگی‌های بسیار متفاوت از سایر سبک‌های نقاشی دارند. یکی از بارزترین ویژگی‌های این سبک تأثیر نمایش‌های تعزیه روی این نقاش‌ها است؛ به گونه‌ای که بعضی معتقدند، عنوان نقاشی کربلا می‌تواند اصطلاح مشخص و مناسب‌تری برای این نقاشی باشد؛ چرا که درون‌مایه اصلی این نقاشی‌ها بر پایه شهادت امام حسین و یارانش در کربلا قرار داشت (فلور، چلکوسکی و دیگران، ۱۳۸۱:

۷۱). چلکووسکی درباره تأثیر تعزیه بر نقاشی قهوه‌خانه‌ای می‌نویسد: «از آن‌رو که تعزیه به ترس از روحانیان افراطی، پیش‌تر پذیرفته شده بود و نقش‌های شهیدان و دشمنان آن‌ها توسط مسلمانان مخلص بازی می‌شد، گامی در جهت پذیرش نقاشی‌های مذهبی تجسم‌بخش این روایات بیشتر برداشته شده بود...» (چلکووسکی، ۱۳۶۷: ۱۱۵).

در قهوه‌خانه‌های تهران دوره قاجار انواع سرگرمی‌ها وجود داشت. از جمله این سرگرمی‌ها غزل‌خوانی و سخنوری بود. غزل‌خوان به آوازخوان خوش صدایی بود که غزل می‌خواند. این گونه آوازخوانی ساده و بدون هیچ‌یک از آلات موسیقی بود و دارای مضامینی چون بی‌وفایی دوست و ناسازگاری روزگار بود. به غزل‌خوانی بیات تهران نیز می‌گفتند؛ بدین دلیل که این آهنگک حزن‌آلود خاص تهرانی‌ها و به‌خصوص بچه‌های پایین‌شهر بود. هر قهوه‌خانه‌ای پاتوق یکی دو نفر از این غزل‌خوانان بود. غزل‌خوان به همراه مریدان و یاران خود وارد قهوه‌خانه می‌شد و قهوه‌چی و کارکنان قهوه‌خانه به پیشواز او می‌رفتند.

غزل‌خوان با حضور در قهوه‌خانه و با کسب اجازه از سادات و پیش‌کسوتان حاضر در قهوه‌خانه کار خود را آغاز می‌کرد. وی در ابتدا چند بیت در ستایش پیامبر و همچنین در مدح حضرت علی (ع) می‌خواند و سپس شروع به غزل‌خوانی می‌نمود. از غزل‌خوانان معروف می‌توان به ابراهیم غزل‌خوان بچه چاله میدان، اکبر غزل‌خوان بچه سنگلج، غلام غزل‌خوان بچه شاه‌آباد، مرتضی غزل‌خوان بچه کوچه آبشار، غلام زرگر بچه صابون‌پز خانه و اصغر گل‌دهن بچه سقاخانه آینه اشاره کرد (شهری، ۱۳۶۷: ۶/۴۶۵-۴۶۹؛ شهری، ۱۳۷۱: ۲/۱۵۹).

سخنوری یکی دیگر از وسایل تفریح در قهوه‌خانه‌های تهران در دوره قاجار بودند. سخنوری نوعی تبادل شعر بود که در قهوه‌خانه‌های بزرگ و بیشتر در ماه رمضان انجام می‌گرفت. برای اجرای مراسم سخنوری در قهوه‌خانه مردم می‌بستند؛ بدین معنی که بالاترین نقطه قهوه‌خانه را انتخاب می‌کردند و تخت پایه کوتاهی در آنجا قرار می‌دادند و با قالی می‌پوشاندند و صندلی در بالای آن قرار می‌دادند. دیوار پشت سر این مکان را هم با پوست و کشکول و تبرزین و دیگر وصله‌های درویشی می‌پوشاندند. در شب‌های سخنوری دو سخنور و دو رقیب روبه‌روی هم قرار می‌گرفتند و به مبارزه در میدان شعر و سخنوری می‌پرداختند. جالب‌ترین زمان سخنوری گروهی

بود؛ گروکشی زمانی انجام می‌گرفت که حریف توان جواب دادن را نداشت. پس سخنور قهوه‌خانه تکه‌ای از لباس او را به گرو برمی‌داشت و تا زمانی که سخنور میزبان نمی‌توانست او را شکست دهد، در اختیار سخنور اصلی قرار داشت. در تمام زمان سخنوری همه سؤال و جواب‌ها به شعر بود و می‌بایستی جواب‌ها در همان بحر، وزن، قافیه و مفهوم شعری خوانده می‌شد (شهری، ۱۳۶۷: ۶/۴۷۴-۴۷۷؛ محبوب، ۱۳۸۳: ۱۰۵۳-۱۰۷۸).

در دوره صفویه قهوه‌خانه‌ها محل و جایگاه اهل فضل، ادب، دانش، شعر و موسیقی بودند؛ به گونه‌ای که در تذکره‌های مهم این دوره همچون تذکره نصرآبادی و تذکره عرفات العاشقین می‌توان نام برخی از این هنرمندان را یافت. از هنرمندان قهوه‌خانه‌نشین در این دوره می‌توان از گنجی، ملا مؤمن مشهور به یکه‌سوار، میرالهی، مظفر حسین، امینای نجفی، مقیمای زرکش، ملایب‌خودی گنابادی (جنابادی)، مولانا حیدر قصه‌خوان و... نام برد (نصرآبادی، ۱۳۷۸: ۲۰۷/۱، ۲۳۷-۲۳۸، ۵۳۶ و ۵۶۳؛ اوحدی دقاقی بلیانی، ۱۳۸۸: ۵۸۱/۱ و ۲۰۴۶/۳)، اما در هر کدام از قهوه‌خانه‌های تهران عصر قاجار یک یا چند گروه از اصناف تجمع داشتند. معمولاً مشخص بود که چه صنفی در کدام قهوه‌خانه شهر پاتوق دارد. این امر این باعث می‌شد پیداکردنشان برای سپردن کار به آن‌ها راحت‌تر باشد. علاوه بر اصناف گروه‌هایی از لوطیان، تبهکاران، شیرهای‌ها، دراویش و... نیز در قهوه‌خانه‌ها جمع می‌شدند؛ برای مثال در چاله‌میدان که یکی از محلات شهر تهران بود و بیشتر از محله‌های دیگر قهوه‌خانه داشت، بیشتر تبهکاران در این قهوه‌خانه‌ها قرار داشتند (سیفی فمی تفرشی، ۱۳۶۹: ۱۶۲). قهوه‌خانه عرش نیز در خیابان چراغ برق، مرکزی شبانه‌روزی برای تریاکی‌ها و شیرهای‌ها بود (شهری، ۱۳۷۱: ۳۰/۱). قهوه‌خانه پستخانه نیز - که قبل از آنکه قهوه‌خانه شود، ساختمان پستخانه بود - محل دود و دمی‌های بازار از قلیانی و چپوقی و بنگی و سیگاری تا تریاکی بود؛ به گونه‌ای که رنگ در و دیوار و سقف و ستون‌های قهوه‌خانه از دود به رنگ زغال درآمد بود (شهری، ۱۳۶۷: ۵۷۹/۳).

در قهوه‌خانه‌های ارباب محمدصادق دولابی در محله قاجاریه (محدوده خندق شرقی) و قهوه‌خانه خرابات در انتهای خیابان ادیب‌الممالک دراویش دود و دمی و حشیشی جمع می‌شدند (همان، ۱۳۱/۱-۱۳۲). از دیگر قهوه‌خانه‌های تهران قهوه‌خانه قنبر در خیابان ناصریه بود. این قهوه‌خانه

پاتوق بناها، نقاش‌ها، خریاکوب‌ها، معرکه‌گیرها و دراویش بود. در این قهوه‌خانه دراویش و معرکه‌گیرها و مداح‌های خوش‌صوت قصه‌های مذهبی و مدح، مرثیه، نوحه و مثل آن می‌گفتند (نجمی، ۱۳۶۲: ۳۳۳).

قهوه‌خانه سنگ‌تراش‌ها نیز که در بازار مسجد جامع واقع شده بود، مرکز اجتماع و پاتوق سنگ‌تراش‌ها بود و بدین دلیل به نام خود آن صنف نامیده شده بود (شهری، ۱۳۶۷: ۱۲۷/۳). یکی از بزرگ‌ترین بازارچه‌های معروف تهران بازارچه مروی بود که در زمان فتحعلی شاه ساخته شده بود. در این بازارچه قهوه‌خانه بزرگی واقع بود که پاتوق لوطی‌های شهر بود (نجمی، ۱۳۶۲: ۷۱). از دیگر مکان‌هایی که در آنجا قهوه‌خانه‌های بسیاری ساخته شده بود در بازار بی‌سقف مال‌فروش‌ها بود که پایین‌تر از بازار پالان دوزها و کنار چهارسوق بزرگ قرار داشت. صاحبان مال (اسب، الاغ، قاطر و شتر) اغلب و به‌خصوص در روزهای بارانی به قهوه‌خانه‌های این مکان می‌آمدند و مال خود را بیرون از در قهوه‌خانه می‌بستند. خریداران نیز برای خرید مال به این مکان‌ها می‌آمدند و پس از امتحان از سلامتی حیوان آن را خریداری می‌کردند (نجمی، ۱۳۶۲: الف: ۲۵۳؛ حسن بیگی، ۱۳۶۶: ۱۲۷). گروه دیگر مطربان بودند که بعضی از آن‌ها در قهوه‌خانه واقع در صحن امامزاده زید که در ضلع جنوب شرقی قرار داشت تجمع می‌کردند. عده‌ای از آن‌ها نیز در امامزاده سیدولی و در قهوه‌خانه دالان جنوبی آن جمع می‌شدند (شهری، ۱۳۶۷: ۴/۳۴۰).

قهوه‌خانه‌ها به دلیل اجتماع مردم از هر طبقه و قشر جامعه، آن‌هم به مدت زیاد، گرفتاری‌هایی برای حکومت ایجاد می‌کرد؛ در تهران عصر قاجار و در زمان سلطنت ناصرالدین شاه، قهوه‌خانه‌ها برای مدتی به امر وی تعطیل شدند. دکتر ویلز، جهانگرد دوره قاجار علت این کار را شکایت عده‌ای از زنان از وضع قهوه‌خانه‌ها می‌دانست. زنان می‌گفتند، این مکان شوهرانشان را از کار و حرفه باز داشته و به قلیان کشیدن عادت می‌دهد، اما به نظر ادوارد براون، اگرچه شاه معتقد است قهوه‌خانه‌ها مردم را به تنبلی و ولخرجی تشویق می‌کند، علت اصلی بستن قهوه‌خانه‌ها این بوده که شاه متوجه شده قهوه‌خانه‌ها باعث فساد اخلاقی جوانان کشور می‌شوند. با وجود دستور شاه مبنی بر بستن تمام قهوه‌خانه‌ها، تنها قهوه‌خانه‌های تهران به این دستور عمل کردند و قهوه‌خانه‌های خارج از شهر تهران هنوز به کار خود مشغول بودند (ویلس، ۱۳۶۳: ۳۸۲-۳۸۳؛ براون،

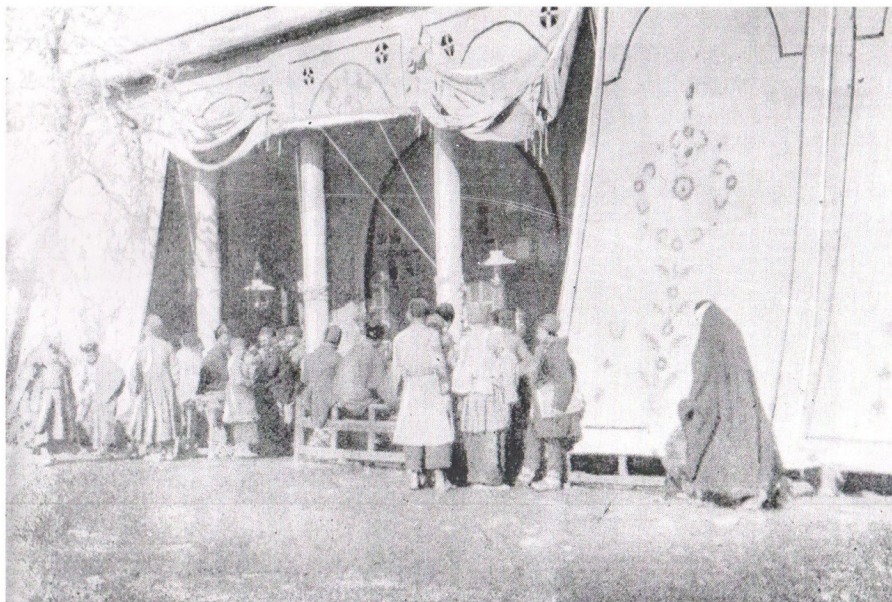
۱۳۷۱: ۱۵۰-۱۵۱). در سال ۱۲۹۵ ه. ق در پی سفر ناصرالدین شاه به فرنگ و دعوت کنت دومونت فرت اتریشی به ایران با هدف ایجاد نظمی و سازمان نیروی پلیس، وی پس از مدتی قوانینی برای انتظام امور نظمی تنظیم نمود. در چند ماده از این قوانین به قهوه‌خانه‌ها پرداخته شده بود. در ماده‌ای آمده بود که به جای قهوه‌خانه‌های شهر - که جز اتلاف مال و از بین بردن سلامتی مردم فایده‌ای ندارند- در هر محله مجموعه‌ای مشتمل از قهوه‌خانه، مهمان‌خانه، کتابخانه و قراولخانه ساخته شود. همچنین در ماده‌ای دیگر آمده بود؛ اگر کسی در قهوه‌خانه اسباب نزاع فراهم کند، از ۴۸ ساعت تا یک ماه حبس و از یک تومان تا ده تومان جریمه باید پردازد و اگر صاحب مغازه نیز فوراً به پلیس خبر ندهد، او نیز شریک جریمه و حبس خواهد بود و در مدت حبس قهوه‌خانه بسته خواهد شد (نوریخس، ۱۳۸۱/۲: ۹۴۴-۹۴۵).

نتیجه‌گیری

مکان اجتماعی قهوه‌خانه یکی از نهادهایی بود که نقش مهم و مؤثری در جامعه ایران ایفا نمود و قهوه‌خانه‌های تهران در عهد قاجار از نهادهای تأثیرگذار بر جامعه ایران آن دوران بود. اگرچه قهوه‌خانه‌های تهران دنبال‌کننده فعالیت‌ها و عملکردهای قهوه‌خانه‌های سایر شهرها بودند، به علت پایتخت بودن تهران در عصر قاجار و تأثیرپذیری جامعه ایران و به‌خصوص شهر تهران از تغییرات جهانی نقش بیشتر و پررنگ‌تری داشتند و بر عملکردهای آن‌ها نیز افزوده شد؛ به گونه‌ای که بیشتر آثار و نوشته‌هایی که درباره تهران به رشته تحریر درآمده‌اند از مکان تفریحی قهوه‌خانه در تهران نیز سخن گفته‌اند که این خود محبوبیت و همه‌گیر بودن این مکان را نزد مردم نشان می‌دهد. اما در این دوره با آغاز ورود آثار تمدنی جدید از دوره ناصرالدین شاه به بعد تحولی در نظام جامعه رخ داد که قهوه‌خانه‌ها را نیز دربرمی‌گرفت. از این دوره به بعد قوانینی به منظور اداره قهوه‌خانه‌ها نصب شد و آرام‌آرام کافه‌ها و قهوه‌خانه‌هایی به سبک اروپایی ساخته شدند. با این حال، پایه‌های مردمی قهوه‌خانه‌های تهران چنان مستحکم بودند که توانستند تا مدت‌ها بعد دوام بیاورند.

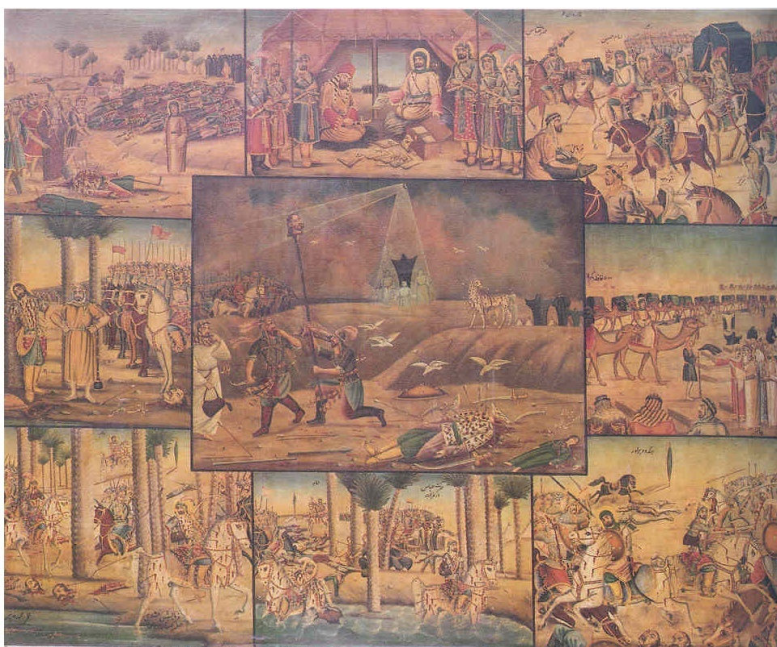
از نشانه‌های این دوام می‌توان به بازسازی و مرمت قهوه‌خانه‌های تهران قدیم همچون قهوه‌خانه آذری اشاره کرد که با وجود نداشتن تمام فعالیت‌های گذشته هنوز برای مردم جالب و

دوست‌داشتنی است. از دیگر آثار تمدنی جدید که بر قهوه‌خانه‌ها تأثیر گذاشت، ورود اسباب و لوازم ارتباط جمعی همچون رادیو و تلویزیون بود که با ورود به نهاد قهوه‌خانه بسیاری از فعالیت‌های این نهاد را محدود کرد و تا جایی پیش رفت که تنها به محلی برای استراحت و نوشیدن چای و کشیدن قلیان تبدیل شد.



قهوه‌خانه‌ای در خیابان الماسیه تهران.

(ذکاء، ۱۳۶۷: ۲/ ۹۴)



نقاشی قهوه‌خانه‌ای (مصیبت کربلا- گودال قتلگاه).

(سیف، ۱۳۶۹: ۱۰۷).

منابع

- افشار مهاجر، کامران. (۱۳۸۴). *هنرمند ایرانی و مدرنیسم*. تهران: دانشگاه هنر.
- اوحدی دقاقی بلیانی و تقی‌الدین محمد. (۱۳۸۸). *تذکره عرفات العاشقین و عرصات العارفین*. با مقدمه و تصحیح و تحقیق سیدمحسن ناجی نصرآبادی. ج ۳. تهران: اساطیر.
- اورسل، ارنست. *سفرنامه اورسل*. (۱۳۵۳). ترجمه علی اصغر سعیدی. تهران: زوار.
- اولتاریوس، آدام. (۱۳۶۹). *سفرنامه آدام اولتاریوس*. ترجمه حسین کردبیجه. ج ۲. تهران: کتاب برای همه.
- براون، ادوارد. (۱۳۷۱). *یکسال در میان ایرانیان*. ترجمه ذیح الله منصوری. تهران: صفار.

- برد، اف. ال، وستون، هارولداف. (۱۳۷۶). *گشت‌وگذاری در ایران بعد از انقلاب مشروطیت*. ترجمه علی اصغر مظهری کرمانی. تهران: نشر جانان.
- بلوکباشی، علی. (۱۳۷۵). *قهوه‌خانه‌های ایران*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- پاکباز، رویین. (۱۳۷۹). *دایره‌المعارف هنر*. ج ۲. تهران: فرهنگ معاصر.
- تکمیل همایون، ناصر. (۱۳۷۸). *تاریخ اجتماعی و فرهنگی تهران*. ج ۲. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- چلکووسکی، پتر. جی. (۱۳۶۷). *تعزیه هنر بومی پیشرو ایران*. ترجمه داوود حاتمی. تهران: نشر علمی و فرهنگی.
- حسن بیگی. م. (۱۳۶۶). *تهران قدیم*. تهران: ققنوس.
- دالمانی، هانری رنه. (۱۳۳۵). *سفرنامه از خراسان تا بختیاری*. ترجمه فره‌وشی. تهران: ابن سینا.
- دروویل، گاسپار. (۱۳۶۷). *سفر در ایران*. ترجمه منوچهر اعتماد مقدم. ج ۳. تهران: شباویز.
- دیولافوآ. (۱۳۶۱). *سفرنامه مادام دیولافوآ*. ترجمه فره‌وشی. ج ۲. تهران: خیام.
- ذکاء، یحیی. سمسار. (۱۳۶۷). محمدحسن. *تهران در تصویر*. ج ۲. تهران: صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران با همکاری میراث فرهنگی کشور.
- رایس، کلارا کولیور. (۱۳۶۶). *زنان ایرانی و راه و رسم زندگی آنها*. ترجمه اسدالله آزاد. مشهد: آستان قدس رضوی.
- سیف، هادی. (۱۳۶۹). *نقاشی قهوه‌خانه*. تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی و سازمان میراث فرهنگی.
- سیفی فمی تفرشی، مرتضی. (۱۳۶۹). *تهران در آئینه زمان*. تهران: اقبال.
- شهری، جعفر. (۱۳۶۷). *تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم*. ج ۱-۶. تهران: رسا و اسماعیلیان.
- _____ (۱۳۷۱). *طهران قدیم*. ج ۱ و ۲. تهران: معین.

- طاهری، ابوالقاسم. (۱۳۸۳). *تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران از مرگ تیمور تا مرگ شاه عباس*. ج ۴. تهران: علمی و فرهنگی.
- فلسفی، نصرالله. (۱۳۸۱). *مقالات تاریخی و ادبی*. به کوشش رضا احمدزاده. ج ۱ و ۲. تهران: دارینه.
- فلور، ویلم. چلکووسکی، پیتر. اختیار، مریم. (۱۳۸۱). *نقاشی و نقاشان دوره قاجاریه*. ترجمه یعقوب آژند. تهران: ایل شاهسون بغدادی.
- کاتف، فدت آفاناس یویچ. (۲۵۳۶ شاهنشاهی). *سفرنامه کاتف*. ترجمه محمدصادق همایونفرد. تهران: کتابخانه ملی ایران.
- کاظمی، ثریا. (۱۳۷۶). *حاج محمد میرزا کاشف السلطنه؛ «چایکار» پدر چای ایران*. با مقدمه و اضافات جعفر پژوم. ج ۲. تهران: سایه.
- گروته، هوگو. (۱۳۶۹). *سفرنامه گروته*. ترجمه مجید جلیلود. تهران: مرکز.
- ماساهارو، یوشیدا. (۱۳۷۳). *سفرنامه یوشیدا ماساهارو*. ترجمه هاشم رجبزاده و با همکاری ی. نی ئی یا. مشهد: آستان قدس رضوی.
- ماموتوف، ن. پ. (۱۳۶۳). *بمباران مجلس شورای ملی*. ترجمه شرف‌الدین قهرمانی. به اهتمام همایون شهیدی. تهران: اشکان.
- میرشکرائی، محمد. (۱۳۷۸). *چای در ایران پژوهش مردم‌شناسی*. با همکاری سیدعلی زیباکناری. تهران-رشت: میراث فرهنگی و گیلکان.
- نجمی، ناصر. (۱۳۶۴). *طهران عهدناصری*. تهران: عطار.
- _____ . (۱۳۶۲ الف). *ایران قدیم و تهران قدیم*. تهران: نشر جانزاده.
- _____ . (۱۳۶۲ ب). *دارالخلافة تهران*. تهران: نشر همگام.
- نصرآبادی، محمدطاهر. (۱۳۷۸). *تذکره نصرآبادی*. با تصحیح و تعلیقات محسن ناجی نصرآبادی. ج ۱. تهران: نشر اساطیر.
- نوربخش، مسعود. (۱۳۸۱). *تهران به روایت تاریخ*. ج ۲. تهران: نشر علم.
- ویشارد، جان. (۱۳۶۳). *بیست سال در ایران*. ترجمه علی پیرنیا. تهران: نشر نوین.

- ویلس، چالزجیمز. (۱۳۶۳). *تاریخ اجتماعی ایران در عهد قاجاریه*. ترجمه سیدعبدالله. به کوشش جمشید دودانگه و مهرداد نیکنام. تهران: نشر زرین.
- محجوب، محمدجعفر. (۱۳۸۳). *ادبیات عامیانه ایران*. به کوشش حسن ذوالفقاری. ج ۲. ج ۱ و ۲. تهران: نشر چشمه.